تحلیل

صعود قیمت نفت به اوج ۳ ماهه

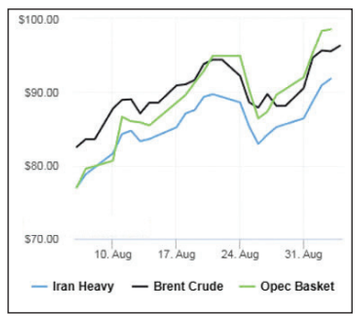

قیمت نفت در معاملات روز جمعه بازار جهانی افزایش یافت و پس از تجاوز نظامی مجدد امریکا به ایران در هفتمین ماه جنگ، رشد هفتگی چشمگیری را به ثبت رساند. به گزارش ایسنا، بهای معاملات آتی نفت خام برنت با ۷۶ سنت یا ۰.۸ درصد افزایش، در ۹۲ دلار و ۶۸ سنت در هر بشکه بسته شد. بهای معاملات آتی نفت خام وست تگزاس اینترمدیت امریکا با ۱۸ سنت یا ۰.۲۰ درصد افزایش، در ۹۱ دلار و ۴۸ سنت در هر بشکه بسته شد. نفت خام برنت برای کل هفته ۷.۶ درصد افزایش یافت، در حالی که نفت خام ایالات متحده تقریبا ۱۰ درصد افزایش یافت زیرا مسیرهای عرضه در خاورمیانه به دلیل تجاوز نظامی امریکا به ایران، همچنان مختل هستند. هر دو شاخص نفتی در بالاترین حد خود در حدود ۳ ماه گذشته قرار دارند. افزایش قیمت نفت همراه با افزایش بسیار شدیدتر قیمت سوخت، تورم و هزینه‌های استقراض دولت‌ها را در سراسر جهان افزایش داده و نگرانی‌ها را مبنی بر اینکه رشد اقتصادی جهانی ممکن است بدون هیچ گونه کمکی کاهش یابد، تشدید کرده است. کلودیو گالیمبرتی، اقتصاددان ارشد شرکت تحقیقاتی «ریستاد انرژی» گفت: «تمام بخش‌های اقتصاد تحت تاثیر افزایش شدید قیمت دیزل قرار دارند. این یکی از دلایلی است که بازده اوراق قرضه دولتی در امریکا بسیار بالاست، زیرا این انتظار وجود دارد که تورم همچنان افزایش یابد.» میانگین قیمت دیزل در امریکا با افزایش اختلالات عرضه ناشی از تجاوز نظامی امریکا به ایران و حملات اوکراین به پالایشگاه‌های روسیه، به بالاترین حد خود رسید. طبق داده‌های انجمن اتومبیل امریکا (AAA)، اکنون قیمت یک گالن دیزل در ایالات متحده به‌طور متوسط ۵.۸۵ دلار است.

قیمت دیزل می‌تواند به دلیل کاهش شدید موجودی ذخایر و با ورود ایالت‌های کشاورزی در مناطق مختلف امریکا به فصل برداشت و کاشت، حتی بیشتر افزایش یابد. دیزل، سوخت اصلی تجهیزات کشاورزی است. قرارداد آتی معادل آن، نفت گرمایشی، نیز با نزدیک شدن به زمستان افزایش یافته است.

بانک سیتی پیش‌بینی خود از میانگین قیمت نفت خام برنت برای سه ماهه سوم را از ۸۰ دلار، به ۸۶ دلار در هر بشکه افزایش داد و اعلام کرد که باز گشایی تنگه هرمز بیشتر از آنچه قبلا انتظار می‌رفت طول می‌کشد. تحلیلگران گروه بانکی «ای‌ان‌زد» پیش‌بینی کوتاه‌مدت خود از قیمت نفت خام برنت را به ۹۵ دلار در هر بشکه افزایش دادند و در صورت تشدید درگیری‌های خاورمیانه، احتمال افزایش قیمت وجود دارد.

دولت امریکا مدعی شده است که جریان نفت خاورمیانه در هفته‌های اخیر به سطح تقریبا عادی بازگشته است، اما تحلیلگران و ردیاب‌های نفتکش نشان می‌دهند که جریان نفت همچنان به‌طور جدی مختل است. داده‌های اولیه کشتیرانی نشان می‌دهد که چهار کشتی تجاری روز پنجشنبه از تنگه هرمز عبور کردند که بسیار کمتر از میانگین ۱۰ روزه حدود ۱۵ کشتی بود. بر اساس گزارش رویترز، نوربرت راکر، رییس بخش اقتصاد و تحقیقات نسل بعدی در بانک جولیوس بائر، گفت: «به نظر می‌رسد نفت در مرحله‌ای قرار دارد که بن‌بست درگیری و خصومت‌های مکرر مرتبا باعث افزایش ریسک در قیمت‌ها می‌شود.»

ادامه از صفحه اول

سناریوهایی برای بنزین

اگر مشکل قاچاق است، باید قاچاق را متوقف کرد. وقتی دولت اعلام می‌کند که در حال بررسی افزایش قیمت است، برخی افراد ممکن است پیش از اجرای تصمیم، قیمت کالاها و خدمات خود را افزایش دهند. اگر افزایش قیمت بنزین در نهایت اجرا نشود، ممکن است افزایش‌های قبلی همچنان در قیمت‌ها باقی بماند. یک مقام دولتی می‌گوید تا پایان سال برنامه‌ای برای افزایش قیمت وجود ندارد، مقام دیگری از بررسی سناریوها صحبت می‌کند و رییس جمهور نیز از افزایش محدود قیمت سخن می‌گوید. این پراکندگی در اظهارنظرها می‌تواند انتظاراتی در جامعه ایجاد کند و خود به افزایش قیمت‌ها دامن بزند. مردم در شرایط فعلی با مسائل مختلفی از جمله هزینه‌های ناشی از جنگ، کاهش قدرت خرید و افزایش قیمت‌ها مواجهند. وقتی اقتصاد با این حجم از مشکلات مواجه است، دولت باید دقت کند که با یک تصمیم جدید، دغدغه دیگری به مردم اضافه نکند.

دولت و مشارکت عمومی - خصوصی در مبارزه با پولشویی

بنابراین PPP موثر باید دارای موارد زیر باشد: مبنای قانونی روشن؛ تعیین دقیق نوع اطلاعات قابل تبادل؛ تعیین اشخاص مجاز به دسترسی؛ محرمانگی اطلاعات؛ امنیت سایبری؛ کنترل دسترسی؛ ثبت و نظارت بر استفاده از اطلاعات؛ جلوگیری از افشای غیرمجاز؛ رعایت اصول حفاظت از داده‌ها. باید توجه داشت که با وجود مزایای فراوان، PPP ممکن است با مشکلات زیر روبرو شود: نبود اعتماد میان دولت و بخش خصوصی؛ محدودیت‌های قانونی در تبادل داده؛ نگرانی درباره حریم خصوصی؛ نبود استاندارد مشترک داده؛ کیفیت پایین اطلاعات؛ کندی تبادل اطلاعات؛ هزینه‌های فناوری؛ ابهام در مسوولیت حقوقی؛ خطر افشای اطلاعات محرمانه. به همین دلیل FATF تأکید می‌کند که مبنای قانونی، حکمرانی شفاف و حفاظت مناسب از داده‌ها عناصر اساسی یک PPP موفق هستند.

مشاور ارشد و مدرس مبارزه با پولشویی

«تعادل» از معمای انرژی گزارش می‌دهد

وقتی شدت مصرف، امنیت انرژی را تهدید می‌کند

گلناز پرتوی‌مهر |

در حالی که جهان به سمت گذار از سوخت‌های فسیلی و مدیریت هوشمندانه منابع حرکت می‌کند، ایران در یک مسیر معکوس و نگران‌کننده گام برمی‌دارد. آمارهای اخیر از دل گزارش‌های تخصصی حوزه انرژی، حکایت از واقعیت تلخی دارند: ایران نه تنها در صف مصرف‌کنندگان بزرگ قرار دارد، بلکه در میان تنها ۶ کشور جهان است که «شدت مصرف انرژی» در آنها روند افزایشی داشته است. این یعنی ما نه تنها بیشتر مصرف می‌کنیم، بلکه هر واحد تولید یا رفاه، هزینه انرژی بسیار سنگین‌تری نسبت به استانداردهای جهانی برای ما به همراه دارد.

بسیاری ممکن است «شدت مصرف» را با «میزان مصرف کل» اشتباه بگیرند، اما تفاوت این دو در جایی است که نبوغ اقتصادی نهفته است. شدت مصرف یعنی برای رسیدن به یک سطح مشخص از زندگی یا تولید، ما چقدر بیشتر از یک کشور هم‌سطح خود، انرژی هدر می‌دهیم؟ وقتی صحبت از بررسی ۲۰ ساله ۱۷۰ کشور جهان می‌شود و ایران در صدر این لیست قرار می‌گیرد، یعنی ما با یک «نشت اقتصادی» عظیم روبرو هستیم. این شدت مصرف، زنگ خطری است برای امنیت انرژی ملی؛ چرا که هر گونه شوک در عرضه (به دلیل تحریم یا نوسانات جهانی) می‌تواند سیستم‌های داخلی را با سرعت بیشتری از کار بیندازد.

یکی از راهکارهای فرضی برای جبران کمبود، واردات یا ترانزیت گاز است؛ اما اینجا با یک تضاد ریاضی روبرو هستیم. قیمت جهانی گاز و هزینه‌های لجستیک انتقال در منطقه، با قیمت‌های یارانه‌ای و سوبسیدشده داخلی همخوانی ندارد. تحلیلگران معتقدند اگر بخواهیم گاز را برای جبران کمبود داخلی وارد کنیم، قیمت تمام‌شده آن برای مصرف‌کننده داخلی به‌شدت بالا خواهد رفت و این یعنی شکست در فرمول اقتصادی انرژی. از سوی دیگر، ظرفیت ترانزیت در منطقه نیز محدود است و نمی‌توان به حالتی تکیه کرد که در آن، گاز در دسترس منطقه، برای تامین نیاز داخلی ما کافی نباشد. در واقع، ما در یک «تله قیمتی» گرفتار شده‌ایم: یا باید با کمبود مواجه شویم یا با قیمت‌های غیرقابل تحمل برای بخش خانگی و صنعتی. بخش بزرگی از این بحران، فراتر از رفتار مصرف‌کننده است؛ ریشه‌ها در زیرساخت‌ها و تجهیزات تولیدی نهفته است. تصور کنید در خانه‌هایی زندگی می‌کنیم که میلیون‌ها دستگاه بخاری با راندمان پایین (زیر ۸۵ درصد) در آنها فعال است. این یعنی بخش بزرگی از انرژی که توسط نیروگاه‌ها و میدان‌های گازی تولید شده، پیش از آنکه حتی به گرم کردن محیط کمک کند، در فرآیند احتراق و دفع از دست می‌رود. اگرچه برنامه‌هایی برای جایگزینی تجهیزات با راندمان بالا انجام شده، اما حجم عظیم تجهیزات قدیمی و عدم توجه به «برچسب انرژی» در خرید تجهیزات جدید، این روند را خنثی می‌کند. مساله تنها «کم کردن مصرف» نیست، مساله «بهبود راندمان» است. ما نیاز داریم از مدیریتِ «مقدار» به سمت مدیریتِ «کیفیتِ مصرف» حرکت کنیم. در سال‌های اخیر، تمرکز بر هوشمندسازی موتورخانه‌ها و دستگاه‌های دولتی، گامی در جهت اصلاح مسیر بوده است. بازدیدهای دوره‌ای و الزام به بهسازی سیستم‌های انرژی در بخش‌های دولتی، نشان می‌دهد که دولت به دنبال کنترل از بالا به پایین است. اما آیا این کافی است؟ برای عبور از این بحران، باید یک «فرهنگ انرژی» جدید شکل بگیرد. هوشمندسازی نباید محدود به موتورخانه‌ها باشد؛ باید در لایه‌های زیرین خانگی و در تجهیزات کوچک نیز نفوذ کند. تبدیل شدن به یک کشور با شدت مصرف پایین، نیازمند گذار از اقتصادِ «تامینِ بی‌رویه» به اقتصادِ «مدیریتِ دقیق» است.

ایران در نقطه عطف انرژی قرار دارد. اگر روند افزایشی شدت مصرف ادامه یابد، هزینه‌های جبران آن نه تنها در بودجه دولت، بلکه در امنیت معیشتی و صنعتی کشور نمایان خواهد شد. راهکار در واردات نیست، راهکار در قیمت‌گذاری تهاجمی نیست؛ راهکار در اصلاح زیرساخت، ارتقای راندمان تجهیزات و هوشمندسازی مصرف است. ما باید یاد بگیریم که انرژی، نه یک منبع بی‌پایان، بلکه یک سرمایه استراتژیک است که باید با دقتِ الماس، مدیریت شود.

تجهیزات شبکه برق امریکا فرسوده شد

رشد سریع مراکز داده هوش مصنوعی، کمبود ترانسفورماتورها و دیگر تجهیزات شبکه برق امریکا را فرسوده کرده است. به گزارش ایسنا، شرکت‌های بزرگ فناوری در حال سرمایه‌گذاری تریلیون‌ها دلار در حوزه هوش مصنوعی هستند که بخش قابل توجهی از آن صرف ساخت مراکز داده‌ای خواهد شد که زیرساخت لازم برای اجرای مدل‌های زبانی بزرگ را فراهم می‌کنند. بازارهای سهام نیز با رشد ارزش سهام شرکت‌های بزرگ فناوری به این روند واکنش نشان داده‌اند، اما موج رونق هوش مصنوعی، به برق و تجهیزاتی نیاز دارد که برق را از نیروگاه‌ها به مصرف‌کنندگان می‌رسانند. پیش از این گزارش‌هایی درباره کمبود تراشه با افزایش تقاضای ناشی از رونق هوش مصنوعی منتشر شده بود و رشد تقاضا برای تجهیزات الکترونیکی مرتبط با هوش مصنوعی، قیمت خدمات پردازشی را نیز افزایش داده است. با این حال، کمبود جدی‌تری در حوزه تجهیزات برق در حال شکل‌گیری است، زیرا شرکت‌هایی که صدها میلیارد دلار برای سرمایه‌گذاری در هوش مصنوعی اختصاص داده‌اند، می‌خواهند زیرساخت‌های مورد نیاز خود را سریع‌تر آماده کنند، در حالی که تامین این تجهیزات به زمان نیاز دارد. ترانسفورماتورها که یکی از اجزای حیاتی شبکه برق هستند، دست‌کم طی دو سال گذشته با کمبود فزاینده مواجه بوده‌اند. افزایش سریع تقاضا برای برق که بخش عمده آن از سوی صنعت فناوری ایجاد شده، در کنار ناتوانی شبکه برق در توسعه با همان سرعت، از عوامل اصلی این کمبود بوده است. ترانسفورماتورها برای تبدیل برق با ولتاژ بالایی که از نیروگاه‌ها و از طریق خطوط انتقال به پست‌های برق منتقل می‌شود، به جریان برق با ولتاژ پایین‌تر مورد استفاده مصرف‌کنندگان نهایی، از جمله مراکز داده، به کار می‌روند. بر اساس برآورد شرکت «وود مکنزی» (Wood Mackenzie)، کمبود ترانسفورماتور در امریکا طی سال جاری به ۱۵ درصد رسیده، پست‌های برق نیز با کمبود مواجه هستند و برآوردها نشان می‌دهد میزان کسری به هشت درصد رسیده است. این وضعیت با دستور اجرایی اخیر دونالد ترامپ، رییس جمهور امریکا که واردات تجهیزات عمده شبکه برق از چین را ممنوع کرده است، می‌تواند تشدید شود. طبق گزارش رویترز، سفارش‌های تولیدکنندگان بزرگ ترانسفورماتور جهان برای چندسال آینده ثبت شده است. شرکت «هیوندای الکتریک» کره جنوبی اعلام کرده که در حال حاضر سفارش‌های ثبت‌شده در این شرکت بیش از سه سال تولید را پوشش می‌دهد و بخش قابل توجهی از ظرفیت تولید تجهیزات اصلی برق این شرکت برای سه سال آینده از قبل رزرو شده است. ارزش سفارش‌های معوق این شرکت نیز در نیمه نخست سال جاری، با ۲۳ درصد افزایش به ۸.۵ میلیارد دلار رسیده. به این ترتیب، تولیدکنندگان تجهیزات برق نیز از همان روندی بهره می‌برند که به افزایش تقاضا برای توربین‌های گازی منجر شده؛ روندی که هر دو بازار را تحت تاثیر رقابت شرکت‌های بزرگ فناوری برای پیشتازی در حوزه هوش مصنوعی قرار داده است. پایگاه خبری اویل پرایس گزارش کرد، کمبود توربین‌های گازی و فشار بر زنجیره تامین ترانسفورماتورها و پست‌های برق می‌تواند بر سرعت توسعه زیرساخت‌های مورد نیاز برای گسترش هوش مصنوعی تاثیر بگذارد، زیرا تولید توربین‌های گازی، ترانسفورماتورها و تجهیزات پست‌های برق، زمان‌بر است. همچنین سیستم‌های خنک‌کننده مراکز داده نیز با همین چالش مواجه هستند.

ایران در صدر مصرف‌کنندگان پرشدت انرژی جهان

مدیرعامل شرکت ملی گاز گفت که ایران در میان تنها ۶ کشور جهان با روند افزایشی شدت مصرف انرژی قرار دارد و باید حساسیت نسبت به مصرف حامل‌های انرژی در بخش خانگی افزایش یابد.

به گزارش ایسنا، سعید توکلی درباره تجارت گاز و موضوعاتی از جمله واردات و انتقال گاز از یک کشور به کشور دیگر که اصطلاحاً ترانزیت نامیده می‌شود، اظهار کرد: در این ارتباط همه اقدامات در حال انجام است، اما میزان گازی که در منطقه در دسترس است، میزان کمی است.

وی ادامه داد: مطلب بعدی، قیمت است که قیمت بسزایی دارد. این قیمت اگر هم وارد شود، برای مصرف‌کننده‌های داخلی توجیه‌پذیر نیست؛ چراکه قیمتی که مصرف‌کننده‌های داخلی پرداخت می‌کنند، نسبت به قیمت تمام‌شده گاز بسیار متفاوت است. مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران در ادامه درباره اقدامات انجام‌شده در حوزه مدیریت مصرف انرژی گفت: در سال ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ بالغ بر یک میلیون و ۲۶۰ هزار مورد بازدید از دستگاه‌های دولتی را در دستور کار داشتیم. این موضوع باعث شد تعداد زیادی از این دستگاه‌ها، طبیعتاً متناسب با شیوه‌نامه‌هایی که از سوی دولت به ما ابلاغ شده بود، نسبت به اقداماتی از جمله هوشمندسازی و بهسازی موتورخانه‌ها اقدام کنند که همه این موارد کمک می‌کند نسبت به مصرف انرژی حساس باشیم. توکلی با اشاره به وضعیت مصرف انرژی در کشور گفت: یک عدد را می‌توانم مطرح کنم و از لحاظ کلی بپذیریم که ما یکی از بد مصرف‌ترین کشورهای دنیا در ارتباط با مبحث انرژی هستیم؛ یعنی شدت مصرف انرژی در کشور ایران از همه کشورها بالاتر است. وی افزود: شاید یکی از تحقیقاتی که تحقیق دقیق و درستی است، بالغ بر ۱۷۰ کشور را به مدت ۲۰ سال بررسی کرده باشد. در این بررسی، تنها شش کشور شدت مصرف انرژی افزایشی داشتند و کشور ما اول یا دوم بود.

مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران تصریح کرد: این اعداد نشان می‌دهد که ما نسبت به موضوع انرژی، فرقی نمی‌کند انرژی برق باشد، انرژی گاز باشد یا بقیه حامل‌های انرژی، حساسیت‌مان نسبت به مصرف کمتر است. توکلی با بیان اینکه بخشی از این موضوع به زیرساخت‌ها مربوط می‌شود، گفت: طبیعتاً بخش زیادی از این مساله مرتبط با زیرساخت‌های مصرف انرژی یا حتی تجهیزات تولیدکننده انرژی است. به عنوان مثال، الان بخاری‌هایی که ما در کشور داریم، نزدیک به ۲۰ تا ۲۱ میلیون دستگاه است که راندمان آنها بسیار پایین است. وی که در یک گفت‌وگوی تلویزیونی سخن می‌گفت ادامه داد: در طرح شورای اقتصاد در سال‌های گذشته، حدود ۱۶۰ هزار بخاری را جابه‌جا کردیم. بخاری‌هایی با راندمان بالاتر از ۸۵ درصد و حتی بعضاً نزدیک به ۹۰ درصد جایگزین شدند. مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران درباره سایر تجهیزات مصرف‌کننده انرژی نیز اظهار کرد: در ارتباط با بحث بقیه تجهیزات مصرف‌کننده انرژی، همه این تجهیزات کمک می‌کند و اگر در برچسب، راندمان بالایی داشته باشند، به کاهش مصرف کمک خواهند کرد.

یک کارشناس اقتصادی عنوان کرد

اصلاح قیمت بنزین لازم است، اما نه در هر شرایطی

یک اقتصاددان با تاکید بر اینکه اصلاح قیمت بنزین ممکن است در بلندمدت ضروری باشد، گفت: اجرای این سیاست به زمان و شرایط اقتصادی کشور بستگی دارد و در شرایطی که مردم با تورم، کاهش قدرت خرید و فشارهای ناشی از جنگ مواجه‌اند، افزایش قیمت بنزین می‌تواند پیامدهای اجتماعی و اقتصادی به همراه داشته باشد. مرز میان «سیاست اضطراری» و «سیاستی که خودش بحران اقتصادی جدید ایجاد می‌کند» کجاست؟ این پرسشی است که در شرایط جنگی و در حالی که خانوارها همزمان با تورم، کاهش قدرت خرید و افزایش هزینه‌های زندگی مواجه‌اند، درباره سیاست بنزینی دولت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در همین زمینه، آلبرت بغزیان -اقتصاددان و استاد دانشگاه تهران- در گفت‌وگو با ایسنا، با انتقاد از زمان و شیوه مطرح‌شدن افزایش قیمت بنزین، معتقد است اگر قرار است قیمت این حامل انرژی اصلاح شود، این اقدام باید در شرایط باثبات‌تر و با یک سیاست قابل پیش‌بینی انجام شود، نه در شرایطی که اقتصاد و خانوارها با مجموعه‌ای از فشارهای هم‌زمان مواجه‌اند. بغزیان با اشاره به تجربه افزایش قیمت بنزین در سال‌های گذشته اظهار کرد: افزایش قیمت بنزین پیش از این نیز در زمان مناسبی انجام نشده و تجربه آن نشان داده که انتخاب زمان نامناسب می‌تواند پیامدهای اجتماعی و اقتصادی به همراه داشته باشد. وی با اشاره به شرایط فعلی گفت: اکنون نیز که دوباره بحث تغییر قیمت بنزین مطرح شده، نباید صرفاً به دلیل مشکلات موجود، هزینه سیاست‌گذاری‌های گذشته را بر دوش مردم گذاشت. این اقتصاددان با بیان اینکه مشکلات مربوط به مصرف بنزین و قاچاق را باید از یکدیگر تفکیک کرد، گفت: اگر مساله مصرف بالای بنزین است، می‌توان از ابزارهایی مانند سهمیه‌بندی برای مدیریت مصرف استفاده کرد؛ اما اگر مساله قاچاق است، باید با قاچاق مقابله شود. بغزیان درباره قاچاق بنزین گفت: اگر دولت معتقد است بنزین قاچاق می‌شود، باید جلوی قاچاق را بگیرد، نه اینکه برای حل مساله قاچاق، قیمت بنزین را برای مردم افزایش دهد. وی با اشاره به گستردگی قاچاق سوخت اظهار کرد: قاچاق بنزین در مقیاس گسترده نمی‌تواند صرفاً با ابزارهایی مانند حمل مقدار کمی سوخت در ظروف انجام شود و اگر قاچاق گسترده وجود دارد، باید سازمان یافته باشد. در چنین شرایطی باید بررسی شود که این سوخت چگونه از مبادی مختلف خارج می‌شود و چرا با وجود نظارت‌ها امکان قاچاق وجود دارد. بغزیان تأکید کرد: اگر دولت مشکل را قاچاق می‌داند، باید با قاچاقچی برخورد کند و نمی‌توان هر بار برای حل این مساله، هزینه بیشتری بر مصرف‌کننده تحمیل کرد. این مشکل مردم نیست که الان بنزین قاچاق می‌شود؛ این وضعیت نتیجه تغییرات نرخ ارز و اختلاف قیمت بنزین در ایران با کشورهای همسایه است. این اقتصاددان با اشاره به اختلاف قیمت بنزین در ایران و کشورهای همسایه گفت: پایین‌تر بودن قیمت بنزین در ایران، در مقایسه با کشورهای همجوار، انگیزه قاچاق را افزایش می‌دهد؛ با این حال، راه‌حل این مساله نباید صرفاً افزایش قیمت برای مصرف‌کننده باشد. این اقتصاددان در ادامه با اشاره به استدلال‌های مربوط به مصرف بالای بنزین گفت: اگر مساله مصرف بالاست، می‌توان از سیاست‌هایی مانند سهمیه‌بندی استفاده کرد تا مصرف مدیریت شود و افراد به سمت استفاده بیشتر از حمل‌ونقل عمومی سوق پیدا کنند. اما نمی‌توان با افزایش قیمت، صرفاً مصرف‌کننده را تنبیه کرد. بغزیان با اشاره به شرایط اقتصادی کشور گفت: در شرایطی که هزینه‌های دولت به دلیل جنگ افزایش پیدا کرده، درآمدها با مشکل مواجه شده، تورم وجود دارد و مردم نیز تحت فشار هستند، منطقی نیست فشار جدیدی از طریق افزایش قیمت بنزین به خانوارها وارد شود. اگر مشکل قاچاق است، باید قاچاق را متوقف کرد. بغزیان در ادامه نسبت به آثار تورمی افزایش قیمت بنزین هشدار داد و گفت: افزایش قیمت بنزین می‌تواند خود را در هزینه‌های حمل‌ونقل نشان دهد و از این مسیر بر قیمت سایر کالاها و خدمات نیز اثر بگذارد. وی با اشاره به حمل‌ونقل شهری و بین‌شهری اظهار کرد: افزایش هزینه سوخت می‌تواند به سرعت در هزینه‌های حمل‌ونقل خود را نشان دهد. حتی پیش از اجرای افزایش قیمت، مطرح شدن مداوم این موضوع می‌تواند بر انتظارات مردم و فعالان اقتصادی اثر بگذارد. بغزیان با اشاره به اثر روانی و انتظاری بحث افزایش قیمت بنزین گفت: وقتی دولت اعلام می‌کند که در حال بررسی افزایش قیمت است، برخی افراد ممکن است پیش از اجرای تصمیم، قیمت کالاها و خدمات خود را افزایش دهند. اگر افزایش قیمت بنزین در نهایت اجرا نشود، ممکن است افزایش‌های قبلی همچنان در قیمت‌ها باقی بماند. بغزیان همچنین به تعدد اظهارنظرهای مسوولان درباره قیمت بنزین اشاره کرد و گفت: یک مقام دولتی می‌گوید تا پایان سال برنامه‌ای برای افزایش قیمت وجود ندارد، مقام دیگری از بررسی سناریوها صحبت می‌کند و رییس جمهور نیز از افزایش محدود قیمت سخن می‌گوید. این پراکندگی در اظهارنظرها می‌تواند انتظاراتی در جامعه ایجاد کند و خود به افزایش قیمت‌ها دامن بزند. بغزیان با اشاره به شرایط اقتصادی و معیشتی کشور گفت: مردم در شرایط فعلی با مسائل مختلفی از جمله هزینه‌های ناشی از جنگ، کاهش قدرت خرید و افزایش قیمت‌ها مواجه‌اند. وقتی اقتصاد با این حجم از مشکلات مواجه است، دولت باید دقت کند که با یک تصمیم جدید، دغدغه دیگری به مردم اضافه نکند. این اقتصاددان گفت: اگر قرار باشد قیمت بنزین اصلاح شود، بهتر است این کار در زمانی انجام شود که شرایط اقتصادی باثبات‌تر شده باشد و مردم نیز با این حجم از مشکلات و فشارهای اقتصادی مواجه نباشند. بغزیان درباره شیوه اصلاح قیمت بنزین نیز گفت: این موضوع که قیمت یک‌باره افزایش پیدا کند یا به شکل تدریجی تغییر کند، به نحوه سیاست‌گذاری بستگی دارد و برخی سیاست‌گذاران به «شوک‌درمانی» اعتقاد دارند. در سیاست شوک‌درمانی، قیمت یک کالا در یک مرحله با افزایش قابل توجه مواجه می‌شود تا مصرف یا رفتار اقتصادی مردم سریع‌تر تغییر کند؛ اما این شیوه می‌تواند شوک قیمتی ایجاد کند. این اقتصاددان در مقابل بر اهمیت قابل پیش‌بینی بودن سیاست قیمت‌گذاری تاکید کرد و گفت: اگر قرار باشد قیمت بنزین افزایش پیدا کند، می‌توان از قبل اعلام کرد که مثلاً در یک زمان مشخص و به میزان مشخصی افزایش پیدا خواهد کرد تا مردم و فعالان اقتصادی بتوانند خود را با آن تطبیق دهند. بغزیان با اشاره به تجربه‌های گذشته اظهار کرد: قابل پیش‌بینی بودن قیمت و سیاست دولت، خود یک نوع سیاست‌گذاری است؛ اما مشکل اینجاست که گاهی دولت‌ها به تصمیمات دولت قبلی پایبند نمی‌مانند و سیاست‌های قبلی کنار گذاشته می‌شود. در چنین شرایطی، مردم و فعالان اقتصادی نمی‌دانند باید انتظار چه تصمیمی را داشته باشند و همین عدم قطعیت می‌تواند به اقتصاد آسیب بزند. بغزیان در جمع‌بندی دیدگاه خود درباره قیمت بنزین گفت: اصلاح قیمت بنزین ممکن است در بلندمدت لازم باشد، اما زمان و بازه اجرای آن اهمیت زیادی دارد. در شرایطی که کشور با مجموعه‌ای از مشکلات و هزینه‌های ناشی از جنگ مواجه است، اضافه کردن افزایش قیمت بنزین به این فشارها، تصمیم مناسبی نیست. این اقتصاددان گفت: اگر شرایط اقتصادی کشور به ثبات رسید و مشکلات و فشارهای فعلی کاهش پیدا کرد، می‌توان درباره اصلاح قیمت بنزین تصمیم گرفت؛ اما در شرایط فعلی، افزایش قیمت بنزین نباید به عنوان راه‌حل مشکلات موجود بر دوش مردم گذاشته شود.

رویداد

غافلگیری صنعت نفت امریکا از توافق بزرگ با ونزوئلا

دونالد ترامپ، رییس جمهور امریکا، با افتخار اعلام کرده است توافق نفتی گسترده او با ونزوئلا - که عملا کنترل بخش عمده‌ای از ثروت خام این کشور را به امریکا می‌دهد - احتمالا بزرگ‌ترین توافقی است که تاکنون انجام شده است، اما برخی از مدیران نفتی امریکا از این اظهارات استقبال نکرده‌اند. به گزارش ایسنا، در واقع، این توافق موجی از نگرانی و هشدار را در میان رهبران صنعت ایجاد کرده است که نگرانند توافق مذکور، مذاکرات تجاری جاری را کوتاه کرده و آنها را از برخی از اهداف احتمالی ونزوئلا محروم کند. این نگرانی‌ها توسط افرادی که با این موضوع آشنا بودند و برای صحبت صریح‌تر خواستند نامشان فاش نشود، به بلومبرگ گزارش شد. برخی اذعان کردند که با توجه به اشتیاق آشکار رییس جمهور امریکا به این توافق، انتقاد علنی از این توافق دشوار است. علاقه شرکت‌های انرژی به احیای صنعت نفت به‌شدت تخریب‌شده ونزوئلا، چهارشنبه گذشته، در مراسمی در کاراکاس با حضور دلسی رودریگز، رییس جمهور موقت این کشور، کریس رایت، وزیر انرژی امریکا و روسای شرکت‌های انرژی از جمله شورون کورپ، اِنی اس پی ای و جی ای ورنووا که قراردادهای سرمایه‌گذاری امضا کردند، به اوج خود رسید. اما این توافق‌نامه‌ها که ماه‌ها طول کشید تا منعقد شوند، تحت‌الشعاع توافقی قرار گرفتند که ترامپ جمعه گذشته در شبکه اجتماعی «تروث سوشال» اعلام کرد. دولت امریکا ۳۵ درصد از سهام شرکت «تورث امریکن بلو انرژی پارتنرز» (NABEP)، یک شرکت نفتی خصوصی به رهبری سرمایه‌گذار جنجالی، الخاندرو بتانکورت، را خریداری می‌کند که حق ۱۰۰ ساله توسعه ۱۷ میدان نفتی ونزوئلا را به دست آورده است. به گفته برخی از منابع آگاه، توافق بتانکورت که توسط وزارت امور خارجه امریکا و پنتاگون هدایت شد، بسیاری از شرکت‌ها و مدیران انرژی، از جمله آنهایی که از قبل درگیر مذاکرات تجاری در ونزوئلا بودند را غافلگیر کرد. ناآرامی این صنعت، چالشی را برای دولت ترامپ برجسته می‌کند، زیرا به دنبال دستیابی به اولویت‌های رقابتی در ونزوئلا است. در حالی که رییس جمهور امریکا می‌خواست به سرعت معاملات تجاری - و جریان‌های جدید نفت و درآمد را تضمین کند، برخی از توسعه‌دهندگان اصلی که به بهترین وجه قادر به افزایش تولید نفت خام سنگین این کشور هستند، با احتیاط بیشتری حرکت می‌کنند و از ادامه ریسک سیاسی و اقتصادی پس از دستگیری مادورو نگران هستند. با این حال، با در اختیار گرفتن ۳۵ درصد از سهام شرکت NABEP توسط دولت امریکا و تضمین حق ۲۰ درصد از تولید آن با قیمت تمام شده، دولت ترامپ نگرانی دیگری ایجاد کرده است: اینکه این اقدام، یک شرکت عملا ملی نفت را تقویت کرده که با تولیدکنندگان نفت امریکا، حتی آنهایی که تمایلی به ورود به ونزوئلا ندارند، رقابت می‌کند.

ادامه از صفحه اول

شکست واشنگتن در بازی «تاب‌آوری»

اما مساله اینجاست که در راند دوازدهم، شما باید بتوانید ضربه کارآمد خود را وارد کرده و حریف را ناک‌اوت کنید. در این صورت شما برنده تقابل خواهید بود. در رویارویی ایران و امریکا، بحث بر سر این نیست که «چه کسی بهتر می‌زند» بلکه بحث اصلی بر سر «تاب‌آوری» است؛ اینکه «چه کسی بیشتر می‌تواند ضربه بخورد و همچنان ایستاده بماند؟» ما در حال حاضر در یک مسابقه تاب‌آوری هستیم. واشنگتن با تمام توان تلاش می‌کند با فشار اقتصادی و نظامی، تاب‌آوری ما را بشکند، اما قدرت اصلی در همین ایستادگی نهفته است. اگر ایران بتواند ضربات را تحمل کند و در نهایت، در زمان مناسب، فشار خود را به نقاط حساس وارد کند، می‌تواند بازی را عوض کند.

■ در همین راستا، تحلیل‌ها نشان می‌دهد که استراتژی ترامپ فراتر از مسائل اقتصادی است. او به دنبال ایجاد شکاف در بدنه جامعه ایران است. این موضوع را چگونه می‌توان مدیریت کرد؟

دقیقا؛ سیاست‌های اخیر ترامپ نشان می‌دهد که او تمرکز خود را از «مذاکره یا حمله نظامی مستقیم» به سمت یک استراتژی بسیار خطرناک‌تر برده است: «جنگ پنهان در لایه‌های اجتماعی». هدف او دو چیز است: نخست، ایجاد شکاف عمیق بین مردم و حاکمیت برای تحریک به ناآرامی‌های داخلی؛ و دوم، ایجاد شکاف میان خود مردم با یکدیگر. ما می‌بینیم که در زمان جنگ‌های نظامی، حتی وقتی صدای پهپاد و موشک در آسمان شنیده می‌شد، نوعی اتحاد حول محور «میهن» در میان مردم ایجاد می‌شد. اما اکنون، در این جنگ پنهان، هدف این است که این اتحاد از بین برود. آنها از طریق فضای مجازی و پروفایل‌های جعلی، سعی می‌کنند مسائل فرهنگی و اجتماعی را به سلاح تبدیل کنند. مثلا با بزرگ‌نمایی مسائل مربوط به پوشش یا بحث‌های جنسیتی، سعی می‌کنند بحث‌ها را از مسیر توسعه و اقتدار ملی به سمت اختلافات داخلی سوق بدهند. این نفوذ، هم از بیرون و هم از درون (آگاه یا ناآگاه) در حال انجام است. هدف این است که تکه‌های پازلی که امریکا طراحی کرده، توسط خود جامعه چیده شود. وقتی بخشی از جامعه به جای ایستادگی در برابر فشار خارجی، به دنبال شعار دادن علیه بخش دیگری از جامعه یا علیه حاکمیت بر سر مسائل فرعی است، یعنی استراتژی «شکاف‌افکنی» و اشنگتن با موفقیت در حال اجراست.

■ شما به ایجاد شکاف طبقاتی نیز اشاره کردید. این چگونه با سیاست‌های اقتصادی همسو می‌شود؟

این بخشی از همان پازل است. ایجاد شکاف طبقاتی، یکی از ابزارهای قدرتمند برای بی‌ثباتی است. وقتی سیاست‌هایی اتخاذ می‌شود که اجازه می‌دهد بخش کوچکی از جامعه با کالاهای لوکس و بسیار گرانقیمت در جامعه حرکت کنند، در حالی که توده